# علیه فرصت‌طلبی
# و تجدیدنظرطلبی Revisionism غیراصولی

سیاست حزب لئون بلوم در فرانسه دوباره نشان می دهد که اصلاح طلبان حتی از آموختن مصیبت بارترین درس های تاریخ به کلی عاجز هستند. سوسیال دموکراسی فرانسه از سیاست سوسیال دموکراسی آلمان برده وار تقلید می کند و به همان سرنوشت دچار خواهد شد. در طول چند دهه، بین الملل دوم در رژیم بورژوا دموکراتیک ممزوج شد، در واقع بخشی از آن گردید و اکنون هر دو با هم به پوسیدگی خود ادامه می دهند. بین الملل سوم راه اصلاح طلبی را زمانی در پیش گرفته که بحران سرمایه داری صریحاً انقلاب پرولتاریائی را در دستور روز گذارده است. سیاست کنونی کمینترن در اسپانیا و چین -سیاست سجود در برابر بورژوازی "دموکراتیک" و "ملی"- نشان می دهد که کمینترن هم از یادگیری بیشتر عاجز است و هم از تغییر بیشتر. بوروکراسی که در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بدل به نیروئی ارتجاعی شده، نمی تواند در صحنه ی جهانی نقش انقلابی بازی کند.

به طور کلی آنارکوسندیکالیزم از همان راه تکامل تدریجی رفته است. در فرانسه، بوروکراسی سندیکالیست لئون ژوئو مدت هاست که بدل به یک



www.hks-iran.com

**آژانس بورژوائی در میان طبقه ی کارگر شده است.[1] در اسپانیا آنارکوسندیکالیزم، انقلابی گرائی متظاهرانه ی خود را کنار زد و بدل به چرخ پنجم در عراده ی بورژوا دموکراسی شد.**

**سازمان های بینابین سانتریست که به اطراف دفتر لندن گرد آمده بودند، تنها مظهر ضمائم "چپ" سوسیال دموکراسی و یا کمینترن هستند.[2] آن ها عجز کامل خود را از فهمیدن سروته شرایط سیاسی و نتیجه گیری انقلابی از آن نشان داده اند. نقطه ی اوج آنان "پوم" اسپانیا بود که تحت شرایط انقلابی، عجز کامل خود را در اجرای خط انقلابی نشان داد.**

**شکست های مصیبت بار پرولتاریای جهانی در طول سال های متمادی، سازمان های رسمی را محکوم به محافظه کاری بیشتر کرد و هم زمان با آن "انقلاب طلبان" سرخورده ی خرده بورژوا را دنبال "راه های جدید" فرستاد. پیوسته در اعصار ارتجاع و زوال، آدم های کاذب و شیاد از هر سو پیدا شده،**

---

[1]- لئون ژوئو Leon Jouhaux، که زندگی سیاسی اش را به صورت یک آنارکوسندیکالیست شروع کرده بود، از سال ۱۹۰۹ به بعد دبیر کل فدراسیون کارگران فرانسه ( ث. ژ. ت) بود. او این فدراسیون را به حمایت از جنگ اول امپریالیستی، تحت لوای "اتحاد مقدس" ملت فرانسه بسیج کرد. او با انقلاب روسیه به مخالفت برخاست و یکی از نمایندگان فرانسه در جامعه ی ملل بود.

[2]- سانتریزم Centrism اصطلاحی است که تروتسکی از آن برای تعریف گرایش هائی در جنبش های چپ استفاده کرد که بین اصلاح طلبی ( که موضع بوروکراسی و اشرافیت کارگری است) و مارکسیزم ( که بیان کننده ی منافع تاریخی طبقه ی کارگر است) نوسان می کنند. از آن جا که گرایش سانتریستی پایه ی اجتماعی مستقلی ندارد، بنابراین برای ارزیابی آن باید مبداء، دینامیک درونی و جهتی را که این گرایش تحت فشار وقایع به خود می گیرد مورد بررسی قرار داد. تا حدود سال ۱۹۳۵ تروتسکی، استالینیزم را نوع ویژه ای از سانتریزم ( سانتریزم بوروکراتیک) تشخیص می داد. ولی از آن پس، این تعریف را برای بیان پدیده ای که بوروکراسی شوروی بدان تکوین می یافت کافی ندید.

دفتر لندن London Bureau سازمان وارفته ای مرکب از احزاب سانتریست بود که نه به بین الملل دوم وابسته بودند. و نه به بین الملل سوم، و در عین حال با تشکیل بین الملل چهارم نیز مخالفت می ورزیدند. حزب مستقل کارگران Indipendent Labour Party در انگلستان، پوم Poum در اسپانیا، ساپ Sap در آلمان، و پی. اس. او. پی PSOP در فرانسه از جمله ی احزاب دفتر لندن بودند.



www.hks-iran.com

خواهان تجدیدنظر در سراسر مسیر اندیشه انقلابی می شوند. اینان به جای آن که از گذشته یاد به گیرند، گذشته را "انکار" می کنند. برخی تناقص مارکسیزم را کشف می کنند، برخی دیگر سقوط بلشویزم را اعلام می کنند. اشخاصی هستند که مسئولیت اشتباهات و جنایات آنانی را که به نظریه ی انقلابی خیانت کرده اند، به گردن خود نظریه ی انقلابی می اندازند؛ دیگرانی هستند که دارو را نفرین می کنند به دلیل آن که درمان آنی و معجزه آسائی را تضمین نمی کند. آنانی که جسورترند، وعده ی کشف اکسیر می دهند و به انتظار آن پیشنهاد می کنند که مبارزه ی طبقاتی متوقف شود. بسیاری از پیغبران "اخلاق جدید" جنبش کارگری را می خواهند با نسخه ی بدل اخلاقی Ethical Homeopathy احیاء کنند.بسیاری از این حواریون پیش از آن که به میدان جنگ به رسند توفیق یافته اند که خود جزو معلولین اخلاقی در آیند. بدین ترتیب در لباس "راه های جدید"، نسخه های کهنه ای که سال ها است در بایگانی سوسیالیزم پیش از مارکس مدفون شده، به پرولتاریا تقدیم می شود.

بین الملل چهارم علیه همه ی بوروکراسی های بین الملل های دوم، سوم، آمستردام و آنارکوسندیکالیست، اعلام جنگی مسالمت ناپذیر می کند، و نیز علیه اقمار سانتریست آن ها؛ یا اصلاح طلبی بی اصلاحات؛ و نیز علیه دموکراسی دست به دست گ.پ. او. داده؛ و صلح طلبی بی صلح ؛ و علیه آنارشیزم در خدمت بورژوازی؛ و نیز علیه "انقلاب طلبانی" که در وحشتی مرگ بار از انقلاب زندگی می کنند. این سازمان ها هیچ کدام میثاقی برای آینده نیستند، بلکه بقایای پوسیده ی گذشته هستند. عصر جنگ ها و انقلاب ها آنان را نقش بر زمین خواهند کرد.



www.hks-iran.com

بین الملل چهارم نه به دنبال اکسیر است و نه آن را اختراع می کند. این بین الملل، کاملاً براساس مارکسیزم به عنوان تنها نظریه ی انقلابی که انسان را قادر به درک حقیقت می کند، و سبب می شود که دلایل شکست کشف گردد و راه پیروزی آینده، آگاهانه هموار به شود، جبهه می گیرد. بین الملل چهارم سنت بلشویزم را که نخستین بار به پرولتاریا طریقه ی کسب قدرت را نشان داد، ادامه می دهد. بین الملل چهارم کذابان و شیادان و تمام آموزگاران ناخوانده اخلاق را از صحنه خارج می کند. در جامعه ای که براساس استثمار بیان شده، عالی ترین اخلاق همانا انقلاب اجتماعی است. کلیه ی آن شیوه هائی خوب هستند که آگاهی طبقاتی کارگران را بالا به برند، در آنان نسبت به نیروهایشان اعتماد به وجود بیاورند و آمادگی آنان را برای فداکاری در راه مبارزه تقویت به کنند. شیوه هائی غیرمجاز هستند که در ستم زده گان نسبت به ستم گران احساس ترس و اطاعت را کِشت کنند، روحیه ی عصیان و خشم را خُرد کنند، و یا به جای اراده ی توده ها، اراده ی رهبران را به گذارند؛ به جای ایمان، اجبار را؛ به جای تجزیه و تحلیل واقعیت، عوام فریبی و دغل را به گذارند. به همین دلیل سوسیال دموکراسی که مارکسیزم را به فحشاء می کشاند و استالینیزم -این برابر نهاد Antithesis بلشویزم- هر دو دشمن خونی انقلاب پرولتاریائی و اخلاق آن هستند. واقعیت را از رو به رو دیدن؛ به دنبال خط حداقل مقاومت نرفتن؛ هر چیزی را به نام واقعی آن چیز خواندن؛ به توده ها حقیقت را گفتن، ولو این که این حقیقت تلخ هم باشد؛ از موانع نهراسیدن؛ در چیزهای کوچک مثل چیزهای بزرگ صداقت داشتن؛ برنامه ی خود را بر پایه ی منطق مبارزه ی طبقاتی پی ریختن؛ شجاع بودن در زمان عمل- اصول بین الملل چهارم این ها هستند. این بین الملل نشان داده



www.hks-iran.com

**است که در خلاف مسیر آب می تواند شنا کند. موج تاریخی آینده آن را بر سینه ی خود بلند خواهد کرد.**



www.hks-iran.com